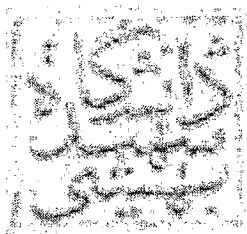


۸۷/۱/۱۵۸۱۹۱
۸۸ - ۱۳۴



پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

«بررسی مفهوم مشروعیت دولت در قوانین اساسی مشروطه و
جمهوری اسلامی ایران»

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد راسخ

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حاتم قادری

استاد داور:

جناب آقای دکتر علی اکبر گرجی ازندریانی

دانشجو:

مهسا شعبانی

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۱

تابستان ۱۳۸۷

۱۱۲۳۶۰

فهرست مطالب:

۵.....چکیده فارسی

۶.....مقدمه

فصل اول: مفهوم مشروعیت دولت

۱۱.....گفتار اول: بررسی مفهومی واژه مشروعیت

۱۱.....بند ۱: معنای لغوی مشروعیت

۱۲.....بند ۲: تحلیل مفهومی مشروعیت

۱۶.....بند ۳: عناصر مقوم مشروعیت

۲۰.....بند ۴: انواع مشروعیت

۲۲.....گفتار دوم: چرا دولت متعلق مشروعیت؟

۲۵.....بند ۱: منظور از دولت چیست؟

۲۷.....گفتار سوم: مشروعیت و موجه سازی

۲۸.....بند ۱: مشروعیت دولت چه تفاوتی با موجه بودن آن دارد؟

۳۲.....بند ۲: مشروعیت به مثابه حق داشتن و نه حق بودن

۳۳.....گفتار چهارم: مشروعیت؛ حق بر فرمانروایی

۳۳.....بند ۱: مشروعیت دولت و وظیفه اطاعت از فرامین آن

۳۵.....بند ۲: دولت نامشروع و اطاعت از فرامین

۳۶.....بند ۳: محدوده اطاعت از فرامین دولت

گفتار پنجم: معیارهای مشروعیت..... ۳۹

بند ۱: مشروعیت کارکردی..... ۳۹

بند ۲: سنخ شناسی سه گانه مشروعیت (نظریه وبر)..... ۴۳

بند ۳: نظریه مشروعیت هابرماس..... ۴۶

بند ۴: نظریه مشروعیت مبتنی بر رضایت..... ۵۰

جمع بندی..... ۵۵

فصل دوم: نظریه مشروعیت دولت در ایران

گفتار اول: مبانی مشروعیت دولت در ایران..... ۵۸

بند ۱: معنای مشروعیت..... ۵۸

بند ۲: معیارهای مشروعیت در ایران..... ۵۹

گفتار دوم: نظریه مشروعیت در قانون اساسی مشروطه..... ۶۴

گفتار سوم: نظریه مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۷۳

جمع بندی..... ۸۰

فهرست منابع..... ۸۳

چکیده انگلیسی..... ۹۲

تقدیم به خانواده عزیزم و همسر بزرگوارم

چکیده فارسی:

پایان نامه حاضر به مسئله مشروعیت دولت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. بدین منظور در فصل اول مفهوم مشروعیت دولت به طور عام مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع هدف از فصل اول این پایان نامه آن بوده است که مشخص سازد زمانی که صحبت از مشروعیت دولت می‌شود چه معنا و مفهومی از آن مدنظر می‌باشد. این فصل در پنج گفتار به این مسئله می‌پردازد. در این فصل معین می‌گردد که منظور از مشروعیت دولت در ادبیات حقوقی و فلسفی مدرن، حق بر فرمانروایی دولت می‌باشد. به این معنا که دولت در فرمانروایی حقانیت دارد. آثار و نتایج مشروع بودن دولت نیز در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب که دولت مشروع دارای ثبات بیشتر نسبت به دولت نامشروع است و شهروندان اخلاقاً خود را ملزم به تبعیت از فرامین حاکم می‌دانند. معیارهای مختلفی برای مشروعیت دولت از سوی نظریه پردازان مطرح گردیده است که مهم ترین آن مربوط به نظریه وبر و سنخ شناسی سه گانه وی از مشروعیت می‌باشد. در عین حال نظریات هابرماس در باب مشروعیت و هم چنین نظریه مشروعیت مبتنی بر رضایت نیز در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل دوم با توجه به معیارهایی که از مشروعیت دولت در فصل اول به دست آمد، نظریه مشروعیت دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشروطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته برای این منظور ناگزیر از بررسی پیشینه مفهوم مشروعیت در ادبیات سیاسی و حقوقی خود بودیم. بررسی نظریه مشروعیت در قانون اساسی مشروطه ما را به این نتیجه رساند که با اینکه در زمان تصویب این قانون اساسی تلاش بسیاری برای مدرنیزاسیون مفاهیم مختلف فلسفه سیاسی صورت گرفت و سعی بر این بود که معیار مشروعیت مردمی به عنوان پایه مشروعیت دولت در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود اما مشاهده می‌شود که عملاً این امر صورت تحقق به خود نگرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، مشروعیت جزو مفاهیم اختلافی می‌باشد و نمی‌توان به یقین گفت که آیا معیار مشروعیت دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مردمی است یا الهی.

کلید واژه ها: مشروعیت، حق بر فرمانروایی، تکلیف بر متابعت، اقتدار، موجه سازی؛

مقدمه:

در مورد مشروعیت گفته شده است که در این باره سخن بسیار رفته اما تحلیل اندک. بسیاری از آنانکه واژه مشروعیت را به کار می‌برند در واقع نمی‌دانند که چه معنایی از آن افاده می‌شود و هم چنین نمی‌دانند که چه معیاری را مورد استفاده قرار می‌دهند. این آشفتگی در میان خوانندگان و شنوندگان این واژه نشان از آشفتگی موجود در ذهن نویسندگان و واعظان دارد.

این پایان نامه قصد دارد تا حد امکان کمک کند که این خلا در ادبیات حقوقی پر شود. سؤال اصلی این پایان نامه آن است که مفهوم مشروعیت دولت چیست و نظریه مشروعیت دولت در قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشروطه کدام است؟ در این راستا سعی شده است که در فصل اول مفهوم مشروعیت مورد بررسی قرار گیرد. برای روشن شدن بحث در ابتدای سخن ناگزیر از پرداختن به معنای لغوی مشروعیت خواهیم بود. در واقع مقصود ما از بررسی معنای لغوی مشروعیت آن است که به این نکته پی ببریم که افراد زمانی که این واژه را به کار می‌برند چه معنایی در ذهن آنها تداعی می‌گردد. ضرورت این بررسی زمانی دوچندان می‌شود که به نظر می‌رسد ترجمه Legitimacy به مشروعیت در ادبیات فارسی تا حدودی رهزن ذهن بوده و از معنای اصلی Legitimacy آنگونه که در فلسفه سیاسی مدرن افاده می‌شود به دور مانده است. در این گفتار هم چنین به بیان انواع مختلف مشروعیت خواهیم پرداخت. مشروعیت دولت عمدتاً از دو دیدگاه قابل بررسی است: جامعه‌شناختی و فلسفی. از دیدگاه جامعه‌شناسانه، مشروعیت دولت از دیدگاه اتباع سنجیده می‌شود.^۱ در اصل، زمانی که مشروعیت با معیار جامعه‌شناختی مورد قضاوت قرار می‌گیرد گفته می‌شود که دولت تاحدی مشروع است که به عنوان مرجعی که شایستگی احترام یا اطاعت را دارد مورد پذیرش شهروندان قرار گیرد.

هم چنین زمانی که مشروعیت فلسفی یا نظری دولت مدنظر است، وجود دولت و کارکردهای آن و اطاعت از فرامین آن از دیدگاه اصول و ارزش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این حالت ممکن است که قواعد حقوقی این بار با سنجه اصول ارزشی مورد ارزیابی قرار گیرند.

^۱ بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر، ص ۴۲

به نظر می‌رسد در مباحث مفهومی راجع به مشروعیت باید چند مسئله مورد مذاقه قرار گیرد: اول اینکه موضوع مشروعیت کدام است؟ دوم اینکه چه کارکرد یا رفتاری از موضوع مشروعیت مدنظر قرار خواهد گرفت؟ سوم اینکه معیار مشروعیت چیست؟

در پایان نامه حاضر دولت متعلق مشروعیت قرار گرفته است. در این فصل بیان خواهیم نمود که علت این انتخاب چه بوده است؛ هم چنین این مسئله بیان خواهد شد که منظور از دولت که در این پایان نامه متعلق مشروعیت قرار گرفته است، چیست؛ در این گفتار بیان خواهد شد که دولت در معنای خاص State به کار رفته است.

گفتار مهم دیگر فصل اول مربوط به بیان تفاوت بین دو مفهوم مشروعیت و موجه سازی است که به نظر می‌رسد مقدمه‌ای برای بحث بعدی در مورد آثار و نتایج مشروعیت دولت به شمار می‌رود. در این گفتار این موضوع مطرح خواهد شد که موجه سازی دولت در واقع به معنای «دفاع از ضرورت وجودی» دولت است؛ در این راستا نظریه پردازان مبانی موجهه مختلفی را در باب ضرورت وجودی دولت عنوان نموده‌اند. اما در عین حال منظور از مشروعیت دولت این است که دولتی که ضرورت وجودی آن موجه شدنی است آیا به صورت مشروع نیز صاحب قدرت فرمانروایی شده است؟ در واقع مشروعیت بدین معناست که آیا دولت به حق^۲ اقتدار سیاسی را کسب نموده است یا خیر.

پس از اینکه تفاوت بین مشروعیت و موجه سازی بیان شد، در گفتار بعدی آثار و نتایجی که صفت مشروعیت برای دولت به همراه خواهد داشت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این گفتار ما به دنبال این امر خواهیم بود که مشروعیت در نهایت چه چیزی را برای دولت به ارمغان خواهد آورد؟ دولت مشروع دارای چه مزایایی خواهد بود که دولت نامشروع فاقد آن است؟ در این جا تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که، برای نمونه، از نظر پروفیسور فالون، تنها اگر مشروعیت حاوی این نتیجه باشد که تکلیف اطاعت^۳ از حکومت را به همراه آورد شایسته مذاقه و

² Rightfully

³ Duty to obey

بررسی است. این اهمیت نیز از آنجا ناشی می شود که اطاعت یکی از عناصر بنیادین ساختار زندگی اجتماعی است و برخی از سیستم های اقتدار (از جمله اقتدار ناشی از حاکمیت) لازمه ی هر نوع زندگی اجتماعی اند.^۴

گفتار آخر اختصاص به بیان نظریه های مختلف در باب معیارهای مشروعیت دولت خواهد داشت. در ابتدای فصل اشاره ای به مشروعیت کارکردی خواهیم نمود که مطابق با این نظریه، مشروعیت با معیارهای کاربردی و عینی سنجیده می شود. پس از آن نظریه مبتنی بر سنخ شناسی سه گانه (مبتنی بر نظریه وبر)، نظریه مشروعیت هابرماس، و هم چنین نظریه مشروعیت مبتنی بر رضایت در این گفتار به طور عمده مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم به ذکر است که انتخاب این نظریه ها از بین نظریات بسیاری که در باب منشا مشروعیت دولت صورت گرفته است به این دلیل بوده که اولاً به نظر می رسد که این سه نظریه تاثیر بسزایی بر سایر نظریه ها داشته اند. دیگر آنکه این پایان نامه در پی بررسی منابع مشروعیت دولت مدرن بوده است و در همین راستا عمدتاً نظریاتی مورد توجه قرار گرفته اند که همدلی بیشتری با نظریات مشروعیت مدرن دارند. اشاره به این نکته خالی از فایده نخواهد بود که امروزه بسیاری از متون فلسفه سیاسی از موجه سازی عمومی^۵ یا رضایت عمومی به عنوان معیار اصلی مشروعیت دولت یاد می کنند.^۶

در انتهای فصل نیز جمع بندی در مورد آنچه که در باب مفهوم مشروعیت گفته شد صورت می پذیرد. در این مرحله، سعی بر آن است که عناصر مقوم مشروعیت را معین سازیم.

در فصل دوم با توجه به معیاری که در فصل پیشین به دست آمده است به بررسی مفهوم مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشروطه خواهیم پرداخت.

^۴ میلگرام، استانلی (۱۳۸۱)، اطاعت از توریته، ترجمه ی مهران پاینده عباس خدقلی، تهران: نشر اختران، ص ۱۷

^۵ Public Justification

^۶ "Public Justification" in Stanford Encyclopedia, Available online at: <http://plato.stanford.edu/entries/justification-public>

در گفتار اول این فصل به این مسئله خواهیم پرداخت که در ادبیات حقوقی و فلسفی ما مشروعیت به چه معنا مورد استفاده قرار گرفته است. آیا همان معنایی که از Legitimacy در فلسفه سیاسی مدرن فهم می شده است در ادبیات ما نیز وجود داشته است یا خیر؟

در گفتار بعدی به بررسی نظریه مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

در گفتار آخر نیز نظریه مشروعیت در قانون اساسی مشروطه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در دو گفتار اخیر ناگزیر از بررسی اصول مربوطه در زمینه تاریخی دولت جمهوری اسلامی ایران و مشروطه خواهیم بود.

در انتها جمع بندی فصل دوم به این مسئله اختصاص خواهد داشت که مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۶۸ و مشروطه ۱۲۸۵ به چه معنا بوده و چه آثار و نتایجی را به همراه دارد و منبع مشروعیت بخش آن به کدامین یک از نظریات مطرح شده در فصل اول نزدیک است؟

هم چنین لازم به ذکر است که این پایان نامه عمدتاً بر مبنای روش تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است و روش جمع آوری منابع نیز کتابخانه ای بوده است.

در انتها لازم می دانم از اساتید محترم گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی کمال تشکر را به جای آورم. به طور خاص، مراتب سپاس خود را نسبت به آقای دکتر محمد راسخ، استاد راهنمایم اعلام می نمایم که در طول سال های دانشجویی ام در دانشکده حقوق شهید بهشتی بسیار از ایشان آموخته ام. هم چنین اگر پشتیبانی ها و محبت های خانواده عزیزم و همسر بزرگوام نبود، بی شک این پایان نامه هرگز به سرانجام نمی رسید.

والسلام

شهریور ۱۳۸۷

فصل اول: مفهوم مشروعیت دولت

گفتار اول: بررسی مفهومی واژه مشروعیت

بند ۱: معنای لغوی مشروعیت

علی رغم تایید اهمیت مفهوم مشروعیت از سوی نظریه پردازان این حوزه، اجماعی در مورد معنا و منابع مشروعیت بین آنها وجود ندارد.^۷ در زبان انگلیسی برای این مفهوم از واژه Legitimacy که هم ریشه با کلمات Legislation, Legal, Legacy (میراث، قانونی، تقنین) است استفاده شده که به مفهوم قانونیت یا حقانیت (برحق بودن) است. البته این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که در برخی کشورهای غربی، مانند انگلستان، قانون در معنای موسع خویش در برگیرنده سنت ها و عرف ها به عنوان قوانین نانوخته نیز می باشد.

اما در فرهنگ اسلامی، کلمه مشروعیت صفت اموری قرار می گیرد که شارع آنها را وضع نموده باشد؛ در واقع مشروعیت در فرهنگ اسلامی مبنایی قدسی و الهی دارد.^۸

در فارسی مشروعیت مصدر جعلی از کلمه مشروع می باشد و ما ناگزیر از رجوع به معنای کلمه مشروع خواهیم بود. مشروع به معنای آنچه است که موافق با شرع باشد یا چیزی که طبق شرع جایز باشد.

از سوی دیگر حکومت مشروعه به حکومتی اطلاق می شود که منطبق بر قوانین شرع باشد. کلمه شرع به معنای دین دستوری یا گونه ای فرمانروایی در چهارچوب دین به کار رفته است.

در عربی به جای واژه مشروعیت از کلمه شرعیت استفاده می شود. بنابراین برای فهم دقیق این معنا باید از معانی واژه شرع در ادبیات عرب کمک گرفت.

شرع به معنای راه پیدا و روشن خداوند بر بندگان، راه راست و راه روشن به کار رفته است. هم چنین این صفت برای اموری که مطابق احکام و دستورات خداوند باشد اطلاق می گردد.

⁷ Gilley, Bruce (2006), 'The Meaning & Measure of State Legitimacy: Results for 72 Countries', European Journal of Political Research 45, p.500

^۸ حجازیان، سعید (۱۳۸۰)، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، تهران: طرح نو، ص ۳۰۹

با توجه به معانی بالا به نظر می رسد که آنچه که از معنای مشروع در نزد فارسی زبانان مراد بوده، مطابقت با شرع است و شرع نیز به نوبه خود به فرامین و احکام خداوند اشاره دارد. بدین ترتیب مشروع به معنای مطابق بودن با احکام و فرامین خداوند است.^۹

به نظر می رسد که در ترجمه واژه Legitimacy به مشروعیت تا حدودی مفهوم^{۱۰} موردنظر تغییر یافته است. شاید بتوان از این ترجمه به این نتیجه رسید که آنچه که از این عبارت در ادبیات ما فهم شده است متفاوت از معنای مورد نظر آن در فلسفه سیاسی مدرن است.

بند ۲: تحلیل مفهومی مشروعیت

آنچه که در تعاریف مربوط به مشروعیت و تحلیل های مفهومی مشروعیت نقش اصلی را ایفا می کند این است که مشروعیت به معنای داشتن حق بر فرمانروایی است.^{۱۱} به این معنا که دولت در فرمانروایی حقانیت دارد. به نظر می رسد که در پیشینه تاریخی استفاده از عبارت مشروعیت، مشروعیت عمدتاً در سه معنا به کار رفته است: اول، در معنای موجه سازی عمدتاً اخلاقی استفاده از زور توسط دولت. برای رسیدن به این منظور، هر نظام حکومتی باید واجد شرایطی شود و بر مبنای اصول و ارزش هایی بنا شود تا شهروندانش بتوانند در آن سهیم و با آن هم عقیده شوند. به محض آنکه چنین اتفاقی بیفتد، مدلول فرامین دولت، از کیفیت واجب اخلاقی برخوردار می گردد.^{۱۲} در این معنا، مشروعیت معادل با «موجه سازی وجود دولت» بوده است که در بخش های بعدی نشان خواهیم داد که اساساً مشروعیت با موجه سازی متفاوت است. دوم، مشروعیت در معنای ظرفیت دولت در تحمیل تکالیف بر دیگران به کار رفته است. به این معنا که آیا دولت دارای این ظرفیت است که بتواند تکلیف بر عهده دیگران بگذارد. داشتن اقتدار بر دیگران در اینجا به معنی توانایی صدور احکام و فرامین (به عنوان دلیل قاطع) برای اعمال ایشان است و

^۹ به عنوان مثال در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوقی در مقابل عبارت مشروع این تعریف آورده شده است: عملی که مطابق قوانین شرع اسلام باشد. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، ص ۳۳۷۲

^{۱۰} Concept

^{۱۱} این مفهوم از مشروعیت از خلال بررسی منابع بسیاری که در باب مشروعیت نگاشته شده، به دست آمده است.

^{۱۲} پوجی، جانفرانکو (۱۳۷۷)، تکوین دولت مدرن: در آمدی جامعه شناختی، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نشر آگاه، ص ۱۶۳

لازمه آن اطاعت و پیروی است که این معنا نیز مورد توجه ما نخواهد بود. معنای سومی که معمولاً به عنوان دیدگاه رایج در مشروعیت به کار می‌رود این است که آیا دولت حق بر فرمانروایی دارد یا خیر؟

مشروعیت در معنای اینکه حاکمان در فرمانروایی حقانیت دارند باید از سایر انواع حمایت سیاسی از سوی شهروندان تفکیک گردد. اشاره به این نکته ضروری است که مشروعیت، تایید دولت از سوی شهروندان در سطح هنجاری یا اخلاقی است. مشروعیت یک امر هنجاری با معنای مفهومی است. مشروعیت در این معنا به صورت تحلیلی متمایز از گونه‌ای از حمایت سیاسی است که از دیدگاه شخصی اخلاقی نشأت می‌گیرد.

هم چنین از نظر مفهومی، دولت مشروع به معنای دولتی که حق بر فرمانروایی دارد با معیارهای مختلف مشروع شناخته می‌شود. از نظرگاه ریشه‌شناختی، هرگاه امری مشروع تلقی شده، مراد مطابقت آن با قانون بوده است.^{۱۳} ویر نیز که به نظر می‌رسد برای اولین بار به طور جدی به مباحث مربوط به مشروعیت پرداخته است معتقد است اختیار از قوانین و مقررات ناشی می‌شود و پیروی از هیچ نوع اختیار دیگری مجاز نیست. بر همین اساس، تفاوت بین جوامع مدرن و سنتی در این است که اقتدار در جوامع مدرن از منابع قانونی سرچشمه می‌گیرد.^{۱۴} اما از آنجا که قانون نیز خود می‌تواند نامشروع باشد و خود قانون نیز موصوف مشروع بودن یا نامشروع بودن قرار می‌گیرد^{۱۵} پس باید این معیار را گسترش داده و مشروعیت را منوط به مطابقت با معیارهای جامع تری چون رضایت، سنت، اصول، انصاف و ... بدانیم.^{۱۶}

¹³ Lamb, Robert D.(2005), "Measuring Legitimacy in Weak States", in Center for International and Security Studies at Maryland, p.5

¹⁴ شجاعی، منوچهر(۱۳۸۱)، "تاملی بر مبانی نظری نظام‌های اداری مدرن"، مجله دانش مدیریت، سال پانزدهم، شماره ۵۶، بهار ۱۳۸۱، ص ۲۹

¹⁵ در واقع نسبت حکومت با حاکمیت قانون ضرورتاً به معنای مشروعیت حکومت نمی‌باشد. برای جزئیات بیشتر رک:

Franck, Thomas M.(1999), "Democracy, Legitimacy & the Rule of Law: Linkages", *NYU Law School, Public Law and Legal Theory Working Paper No. 2*

¹⁶ Lamb, Robert D.(2005), Op, Cit, p.5

به عنوان مثال امروزه یکی از گزاره های پنهان در برداشت کلی غربی از مشروعیت دولت همانا مقاومت در برابر نظام متجاوز به عدالت و حقوق بشر می باشد.^{۱۷} در این معنا، توسل به قوه قهریه و توقع تبعیت تابعان نظام سیاسی، تنها در صورتی که مبتنی بر اصول عدالت باشد موجه است.^{۱۸}

از سوی دیگر مشروعیت به نظر عده ای دیگر از جمله وبر بیش از آنکه بر عدالت یا درستی بنا شده باشد بر باور استوار شده است. یعنی مشروعیت بر باور به قانونی بودن قواعد استوار شده است.^{۱۹}

از نظر برخی^{۲۰}، سه گونه فرعی از مشروعیت وجود دارد که تشکیل دهنده مفهوم حقانیت است: قانونیت، موجه سازی و رضایت. در این زمینه برخی معتقدند که آنچه در میزان اندازه گیری مشروعیت یک دولت مدنظر قرار می گیرد میزان باور شهروندان به این سه فاکتور است و نه آنچه که دولت در این زمینه ادعا می کند. اما در بحث حاضر، ما به مشروعیت دولت به عنوان یک حق ادعا از سوی دولت علیه شهروندان خواهیم نگرست و از این دیدگاه آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار خواهیم داد.^{۲۱} در همین راستا سیمونس^{۲۲} بیان می کند که مشروعیت دولت حق اخلاقی پیچیده ای است که دولت آن را داراست تا انحصار تحمیل تکالیف الزام آور بر اتباع خود را در دست داشته باشد و شهروندان از این تکالیف اطاعت کنند و دولت بتواند از زور برای وادار ساختن شهروندان به متابعت استفاده کند. بر طبق این تعریف مشروعیت دولت به صورت گسترده ای با مجموعه ای از تکالیف گره خورده است از جمله متابعت

^{۱۷} کلی، جان (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، طرح نو، تهران، ص ۵۷۵

^{۱۸} هارت، هربرت (زیر چاپ)، قانون، آزادی، اخلاق، ترجمه محمد راسخ، تهران: طرح نو، ص ۱۱

^{۱۹} Berkowitz, R. (2006) "Democratic Legitimacy & the Scientific Foundation of Modern Law" in *Theoretical Inquiries in Law*, Vol. 8, No.1, p.9

^{۲۰} بتام (Beetham) در کتاب خود با عنوان *موجه سازی قدرت* از این تقسیم بندی یاد می کند. برای جزئیات بیشتر ببینید:

Beetham, D. (1991), *The legitimation of power*, London: Macmillan

^{۲۱} Gilley, Bruce (2006), Op.Cit, p.502

^{۲۲} Simmons

سیاسی شهروندان.^{۲۳} در واقع حق مشروعیت دولت از جمله حق هایی است که ارتباط وثیقی با تکلیف شهروندان بر متابعت از دولت دارد.

به نظر می رسد که در اینجا ضروری است در مورد ماهیت این حق سخن به میان بیاوریم؛ چرا که در تمام جوامع شکلی از سازمان مرکزی قدرت وجود داشته که، به ویژه در دوران مدرن، در عین مداخله در زندگی فردی و اجتماعی، وفاداری بی چون و چرای تابعان و زیردستان را نیز مطالبه می کرده است.^{۲۴} ویسلی هوفلد در تحلیلی که از مفهوم حق انجام داد عنوان داشت که حق در چهار معنا به کار می رود. حق- ادعا، حق- قدرت، حق- آزادی و حق- مصونیت. هم چنین این حق ها همواره متلازم با تکلیف هایی برای طرف مقابل هستند. در این بین به نظر می رسد که حق بر فرمانروایی که معادل با مشروعیت در نظر گرفته شده است از نوع حق- ادعا^{۲۵} می باشد. حق- ادعاها همیشه با تکلیف همراه می باشند، بدین معنا که در این نوع از حق یک رابطه دوجانبه میان دو شخص وجود دارد که برای یکی استحقاق و بر دیگری تکلیف می آورد. در این معنا، حق بر فرمانروایی همواره تکلیف بر متابعت را به همراه خود می آورد. در این معنا، شهروندان ملزم به متابعت از فرامین دولت هستند نه به خاطر اینکه محتوای فرامین عادلانه است، بلکه به خاطر اینکه دولت حق بر فرمانروایی را به درستی و به حق کسب نموده است. در واقع به نظر می رسد که تکلیف متابعت از فرامین دولت مستقل از محتوای^{۲۶} فرامین می باشد. به این معنا که شهروندان خود را ملزم به متابعت از فرامین دولت می دانند، نه به این دلیل که محتوای فرامین از نظر آنها مورد پذیرش است بلکه به خاطر اینکه دولت مشروع این فرامین را صادر نموده است.^{۲۷} هر چند که نظریه هوفلد با انتقاداتی نیز مواجه شده است، از جمله اینکه مثلاً نمی توان در برابر تکلیف هایی که از طریق قوانین کیفری بر ما تحمیل می شوند به دنبال

²³ Simmons, John A. (1999), "Justification and Legitimacy" in *Ethics*, Vol.109, No.4, p. 746

^{۲۴} هارت، هربرت (۱۳۸۳)، همان، ص ۱۰

²⁵ Claim-rights

²⁶ Content-Independent

^{۲۷} البته در مقابل این دیدگاه که یکی از طرفداران آن فینیس می باشد، دیدگاه مقابلی نیز وجود دارد که از طرف رز مطرح گردیده است مبنی بر اینکه باید مسئله متابعت از این فرامین و قوانین را به صورت فردی و تک به تک شهروندان نسبت به قوانین و فرامین سنجید.

Aiyar, S. (2000), "The Problem of Law's Authority: John Finnis and Joseph Raz on Legal Obligation", *Law and Philosophy*, Vol. 19, No. 4. (Jul., 2000), p.471

حق‌هایی بود اما به طور کلی می‌توان نظر هوفلد را به عنوان تعاریف قراردادی که در وضوح مفاهیم حق راهگشا هستند ارزشمند دانست.

هم چنین اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که عده‌ای را عقیده بر آن است که مشروعیت در پی اعتبار بخشیدن به قدرت از پیش موجود است. بدین ترتیب به این نکته پی می‌بریم که اساساً قدرت دولت نسبت به مشروعیت یک امر پیشینی است. این نظریه از آنجا ناشی می‌شود که از مشروعیت به عنوان توجیهی از حق فرمان دادن و اطاعت کردن یاد کرده‌اند. به همین سبب هیچ دولتی مشروع زاده نمی‌شود یعنی این که امور مربوط به مشروعیت یابی برای دولت پس از ایجاد آن مطرح می‌شود.^{۲۸}

در واقع این دیدگاه از تقسیم بندی جان استوارت میل از نظریه‌های مختلف در باب شکل‌گیری حکومت‌ها نشأت می‌گیرد. از نظریه‌ی برخی می‌اندیشند که حکومت‌ها تماماً ساخته و پرداخته دست بشر هستند. بر طبق این نظریه پس از آنکه طرح اولیه حکومت ریخته شد، زمامداران باید در پی جلب رضایت هم وطنان خود و یا رضایت کسانی که این تشکیلات برای آنها در نظر گرفته شده است برآیند. در این حالت شهروندان باید خود را با تفکری که حکومت را ساخته است هماهنگ سازند و به آن باور پیدا کنند.

اما در مقابل، نظریه دیگر معتقد است که اساساً حکومت بر اساس ویژگی‌های سرزمین خاص شکل می‌گیرد و نمی‌تواند نسبت به این خصوصیات بیگانه باشد. در این معنا، فرایند مشروعیت یابی همراه با ایجاد حکومت شکل گرفته است.^{۲۹}

بند ۳: عناصر مقوم مشروعیت

زمانی که درباره مشروعیت سخن می‌گوییم ناگزیر از پرداختن به سه عنصر هستیم. (X) بر مبنای معیار (Z) دارای مشروعیت در انجام عمل (Y) است. تعاریف بسیاری در ارتباط با مشروعیت ارائه شده است که هر یک مشروعیت

^{۲۸} فیرجی، داود (۱۳۸۵)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)، چاپ پنجم، تهران: نشر نی، ص ۲۱

^{۲۹} میل، جان استوارت (۱۳۷۵)، رساله درباره آزادی، ترجمه ی جواد شیخ الاسلامی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۳۱۳-۳۱۵

را بر پایه یکی از این عناصر تعریف نموده اند. در این بخش سعی خواهیم نمود با مطالعه برخی از مهم‌ترین این تعاریف به عناصر مقوم مشروعیت دولت پی ببریم. ناگفته پیداست که هریک از این تعاریف بر یکی از ویژگی‌های مشروعیت تکیه نموده اند.

۱-۳ تعاریف مبتنی بر ماهیت مشروعیت

برخی از این تعاریف به ماهیت مشروعیت اشاره داشته اند که به نظر می‌رسد تعاریفی که بر مبنای حق بر فرمانروایی استوار گشته‌اند در این دسته از تعاریف قرار می‌گیرند. به عنوان مثال: در دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی ذیل کلمه مشروعیت آمده است که قدرت دولت با دو ویژگی مشروع می‌گردد، این دو ویژگی عبارت‌اند از اول اینکه حکومتگران می‌دانند که حق حکمرانی دارند و دیگر آنکه حکومت شوندگان این امر را قبول دارند.^{۳۰} این واژه در واقع به دو موضوع متقابل اشاره دارد. یکی ایجاد حق حکومت برای حاکمان و دیگری شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت شوندگان.

در همین راستا، در فرهنگ علوم سیاسی در تعریف واژه مشروعیت آمده است که: « مشروعیت با نمایندگان و رضایت در امور سیاسی ارتباط دارد. مساله مشروعیت عبارت است از اینکه چه اشخاصی محقند به عنوان نمایندگان قدرت سیاسی عمل کنند. چه چیزی حکومت یا اعمال قدرت یک حکومت را برحق می‌سازد... به طور کلی قدرتی که اعمال می‌شود اگر حقی برای اعمال آن وجود نداشته باشد نامشروع و اگر برای اعمال آن حقی وجود داشته باشد مشروع است. در واقع قدرت و حق را می‌توان مفاهیم اساسی درک مشروعیت یا حقانیت دانست.»^{۳۱}

خانم جین همپتن در کتاب فلسفه سیاسی خود در باب فرمانروایی خوب بر این نکته تاکید می‌کند که اشکال خوب کنترل برآمده و ناشی از نوعی فرمانروایی هستند که فرد کنترل‌کننده به درستی بر شخصی اعمال می‌کند که کنترلش می‌کند. این فرمانروایی با قدرت (محض) یکی نیست. فرمانروایی مربوط به شایستگی حکم راندن است، و

^{۳۰} حاتمی، محمدرضا (1384)، مبنای مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۲۹

^{۳۱} حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، همان، ص ۳۰

قدرت صرف برای تامین این شایستگی کافی نیست. هم چنین آنچه که با این شایستگی ارتباط پیدا می کند تکلیف تابعان برای اطاعت از فرمان های حاکم است.^{۳۲}

با دقت در تعاریف بالا متوجه می شویم که تاکید بر «حق داشتن» بر حکمرانی بر شهروندان در توضیح مشروعیت است. از سوی دیگر به نظر می رسد که طرف حق در این تعاریف شهروندان هستند. شهروندان در واقع حق بر شناسایی حق بر حکمرانی از سوی دولت را دارا هستند.

۲-۳ تعاریف مبتنی بر آثار و نتایج مشروعیت دولت

اما برخی از تعاریف دیگر بر آثار و نتایج مشروعیت مبتنی بوده اند. یعنی برای تعریف مشروعیت از نتایج و آثاری که مشروعیت برای متعلق خود (در اینجا دولت) به همراه می آورد کمک گرفته اند. به عنوان مثال نظریه مشروعیت به مثابه ثبات از این دسته است. به این معنا که دولت مشروع دارای ثبات بیشتر نسبت به دولت نامشروع است.^{۳۳}

۳-۳ تعاریف مبتنی بر روش های مشروعیت یابی

در همین راستا عده ای دیگر از صاحب نظران بر روش های مشروعیت یابی تاکید نموده و با پررنگ نمودن نقش کارآمدی معتقدند که با توجه به نقش روز افزون دولت در مسایل اقتصادی و کارکردهای دولت در بازتوزیع منابع، مشروعیت دولت ها در طولانی مدت تحت تاثیر کارایی اقتصادی آن قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال ایچ. اکشتاین^{۳۴} تاکید می کند که مشروعیت ذخیره ای از حسن نیت پدید می آورد که مقامات در زمان های سخت می توانند از آن استفاده کنند و آمادگی مردم در تحمل کاستی های کارایی را بالا ببرند.^{۳۵}

^{۳۲} همپتن، جین (۱۳۸۰)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، صص ۲۲-۲۳

^{۳۳} Useem, Bert & Useem, Michael (1979), "Government Legitimacy and Political Stability", In Social Forces, vol.57:3, March 1979, p.844

^{۳۴} H.Eckstein

^{۳۵} دوگان، ماتیة (۱۳۷۴)، "سنجش مفهوم اعتماد و مشروعیت"، ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، ص ۹.

هم‌چنین گفته شده است که دولت قانون بنیاد مشروعیت خود را از سازمان دهی جامعه در راستای به زیستن، مصلحت عمومی و خیر مشترک به دست می‌آورد و در نتیجه در کارکرد جای اصلی را به حقوق و قانون می‌بخشد.

۳۶

مشروعیت مطابق نظر جودی فری من^{۳۷} زمانی تحقق می‌یابد که تصمیمات دولت بدون زور پذیرفته شود یا آنگونه که روب بالدوین^{۳۸} معتقد است مشروعیت زمانی مشاهده می‌شود که استدلالات موافق به نفع تصمیمات دولت وجود داشته باشد.^{۳۹}

اس.ام. لیپست معتقد است مشروعیت: توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود برای جامعه مناسب‌ترین است. لیپست هم‌چنین در کتاب مهم خود یعنی انسان سیاسی، عنوان می‌کند که مبانی اجتماعی سیاست عمدتاً به نقش‌های کارآمدی یا کارایی و مشروعیت در حفظ و تبیین و تثبیت دموکراسی پایدار توجه داشته است. وی در مقام تبیین میان این دو مقوله اظهار می‌دارد: «در حالی که کارآیی جریانی عمدتاً ابزاری است، مشروعیت جریانی است ارزشی...»^{۴۰} در همین راستا جون لینز نیز بیان می‌کند که باور شهروندان بر اینکه علی‌رغم کمبودها و شکست‌ها، نهادهای سیاسی موجود بهتر از هر نهاد دیگری است که ممکن است جای آن را بگیرد، حداقل شرط مشروعیت است و بر این اساس این چنین دولتی می‌تواند خواستار اطاعت باشد.

۳-۴ تعاریف مبتنی بر معیارهای مشروعیت دولت

برخی دیگر از تعاریف مبتنی بر معیارهای مشروعیت و حقانیت دولت در فرمانروایی هستند. در همین زمینه مرحوم قاضی از مفهوم حقانیت در برابر قانونیت استفاده کرده‌اند. از نظر ایشان، باید میان قانونیت و حقانیت تفاوت قایل شد. قانونی بودن قدرت تطابق آن با موازین و مقررات و شیوه‌های حقوقی است و حقانیت آن، سازگار بودنش با

^{۳۶} کریژل، بلاندین (۱۳۸۰)، *درسنامه‌های فلسفه‌ی سیاسی*، ترجمه‌ی عبدالوهاب احمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ص ۱۳۲

^{۳۷} Jody Freeman

^{۳۸} Rob Baldwin

^{۳۹} Morgan, Bronwen, and Yeung, Karen (2007), *An Introduction to Law and Regulation*, Cambridge University Press (United Kingdom), p. 221

^{۴۰} نوذری، حسینعلی (1381)، *بازخوانی هابرماس*، تهران: نشر چشمه، صص ۵۴۷-۵۴۶

نظریه قدرتی است که اکثریت به درستی آن ایمان داشته باشند. ممکن است قدرتی قانونی باشد اما حقانی جلوه نکند. البته قدرت قانونی، در اذهان، احساس حقانیت را نیز القا می کند. یعنی شیوه های حقوقی که به قدرت، خصیصه نهادی می بخشند، در عین حال، او را در انظار شهروندان مشروع و حقانی جلوه گر می سازند. ولی همیشه حال بدین منوال نیست. ایشان برای روشن ساختن این مفهوم دو مثال می زنند. اول حکومت ویشی که در هنگام جنگ جهانی دوم با ۵۹۶ رای موافق در برابر ۸۰ رای مخالف مجلس ملی فرانسه، به ریاست مارشال پتن به قدرت رسید. لذا حکومتی قانونی بود ولی بسیاری از مردم فرانسه آن را ناحق می شمردند. برعکس حکومت موقت ژنرال دوگل با معیار قانونی زمان، حکومتی غیرقانونی بود، ولی از دید بسیاری حقانی می نمود.^{۴۱}

هم چنین از نظر اندرو وینسنت اقتدار مشروع اقتداری است که از جانب کسانی که تحت کاربرد آن قرار می گیرند، معتبر یا موجب تلقی شود. چنین اقتداری قانونی، عادلانه و برحق شناخته می شود. در نتیجه اجبار یا اعمال زور از جانب شخص واجد اقتدار موجب به شمار می رود. مشروعیت یک نظام سیاسی به عبارت دیگر همان ارزشمندی آن است، به این معنی که آن نظام مبین اراده عمومی است. چنین نظام سیاسی واجد حق حکمرانی است و توقع دارد که مردم از قوانین و مقرراتش اطاعت کنند.^{۴۲}

بند ۴: انواع مشروعیت

به نظر می رسد زمانی که صحبت از مشروعیت دولت می شود، باید در پی رویکردهای مختلفی بود که نسبت به این مسئله وجود دارد. باید گفت که زمانی که تحلیل مفهومی از مشروعیت می شود در واقع ما به دنبال یک مفهوم از مشروعیت هستیم. هر چند که ممکن است نظریه های مختلفی راجع به مشروعیت وجود داشته باشد. اما تنها یک مفهوم از مشروعیت قابل شناسایی است. مشروعیت دولت به معنای این است که دولت حق بر فرمانروایی داشته باشد و در مقابل شهروندان نیز تکلیف به متابعت داشته باشند.

^{۴۱} قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۰۶-۳۰۷

^{۴۲} وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ص ۶۷